



## «مالیات به ارزش افزوده» و کارگران

مراد شیرین

m\_shirin@yahoo.com

## اهداف کاخ سفید و آرزو و آمال

### کاندیداهایش در ایران

سارا قاضی

Sara@kargar.org

سه شنبه ۸ اکتبر، تلویزیون «فوکس نیوز» آمریکا که یکی از ایستگاههای خبری آن کشور است، برنامه ای تحت عنوان «همسایگان عراق» پخش میکرد که در آن مصاحبه گزارشگر آن با رضا پهلوی را نشان میداد.

این مصاحبه در این مقطع، نشانگر برنامه های پی در پی آمریکا برای آن منطقه و نوع کاندیداهایش میباشد.

رضا پهلوی معتقد بود که در یک رفراendum میتوان مشخص نمود که چند درصد مردم ایران خواهان جلوس او بر ارکان قدرت هستند. اما او مشخص نکرد که در پی چه روندی، این رفراendum امکان انجام شدن دارد.

با توجه به اینکه ارتش آمریکا هم اکنون (و بدون گرفتن تأیید کامل از سازمان ملل متحد و مجلس سنای آمریکا) در آبهای خلیج فارس و کویت پیاده شده و نقداً در درگیری روز سه شنبه در کویت، بین دو تن از جان گذشته کویتی و دو سرباز آمریکایی، کشته و زخمی داده است و با توجه به اینکه سخنرانی اخیر رئیس جمهور آمریکا در جواب به مخالفان حمله به عراق با آب و تاب هر چه بیشتری برگزار گردید، بروز یک جنگ خانمانسوز در عراق را قطعی ساخته است.

بوش با وجود اینکه در سخنرانی های متعاقب خود در روزهای ۶ و ۷ اکتبر، دلیل تازه ای برای حمله به عراق ارائه نکرد، ولی کوشید تا اذهان عمومی را هر چه بیشتر آماده پذیرفتن این حمله نماید. بوش در حرفهای خود، صدام را دیکتاتوری روانی و آدمکش خطاب کرد که ممکن است با بمبهای شیمیایی به آمریکا حمله کند. لذا جلوی حادثه را پیش از وقوع باید گرفت. (!) اما در آن مقطع، هیچیک از شوندگان حاضر و خبرنگار از او نپرسید که چرا آمریکا چنین موجود خطرناکی را به این سلاحها مجهز کرد تا به ایران حمله کند؟! و جورج بوش چگونه جوابی برای حمله عراق با بمبهای شیمیایی به منطقه حلبچه در زمان

در روز ۲۷ شهریور طهماسب مظاهری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، به خبرنگاران در مورد سه مصوبه مهم اقتصادی ی «هیئت وزیران» اطلاع داد. جلسه ی «هیئت وزیران» آیین نامه «قانون جلب سرمایه گذاری خارجی» و لوایح تعیین «مالیات به ارزش افزوده» و «پول شویی» را تصویب کرده و آقای مظاهری «همچنین وجود هر گونه ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت را رد کرد». پس از صحبت مفصل در مورد «قانون جلب سرمایه گذاری خارجی»، «وزیر اقتصاد، تصویب لایحه مالیات بر ارزش افزوده را دیگر مصوبه مهم اقتصادی دیروز دولت عنوان کرد و آن را در راستای اصلاح سیستم مالیاتی کشور پس از تصویب لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم در مجلس دانست» و اضافه کرد که «هدف از لایحه تعیین مالیات بر ارزش افزوده، انتقال مالیات از تولید به مصرف است و با اجرای آن، بیشتر می توان عدالت مالیاتی را فراهم کرد». او همچنین گفت که «لایحه مالیات بر ارزش افزوده، جایگزین عوارض و تعرفه هایی که اینک بطور غیر مستقیم گرفته می شود، خواهد شد» و ادعا داشت که «در این لایحه، بخشی از کالاهای مصرفی که ۴۵ درصد کالاهای سبد خانوار - ۱۴ قلم کالا - را در ایران شامل می شود و عمدتاً کالاهای اساسی هستند، از مالیات بر مصرف معاف شده است. وزیر اقتصاد، مالیات پیش بینی شده در این لایحه را با نرخ ثابت ۷ درصد عنوان کرد و گفت که این لایحه متناسب با وضعیت اقتصادی و جامعه ایران و در نظر گرفتن معافیت ها و روش های سهل الوصول مالیات تدوین شده است. مظاهری، یکی از نتایج مهم اجرای لایحه تعیین مالیات بر ارزش افزوده را معاف شدن واحدهای تولیدی از پرداخت مالیات مضاعف دانست. «(حیات نو»، ۲۸ شهریور).

بقیه در صفحه ۲

## آسیب پذیری قانون و حقوق دموکراتیک در عمل

در نظام سرمایه داری      ص ۶

صفحه ۷

اخبار کارگری

بقیه در صفحه ۵

جنگ با ایران دارد ۱۴

## «مالیات به ارزش افزوده» و کارگران

بقیه از صفحه ۱

عدم وجود «هر گونه ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت»

پی شک دوستاران رژیم از اینکه مظاهری «وجود هر گونه ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت را رد کرد» خوشحال خواهند شد. ولی کارگران مبارز و کمونیست ها به این واقفند که این «سه مصوبه مهم اقتصادی» بخشی از برنامه ی رژیم برای ایجاد سرمایه داری مدرن و مورد تأیید کشورهای امپریالیستی و نهادهای هماهنگی سیاست های آنان - مانند «بانک جهانی» - می باشد. و در اصل «کشمکش» های دو جناح رژیم در مورد ترتیب، روند و شتاب بهبود روابط اقتصادی با کشورهای امپریالیستی، و دفاع از منافع سیاسی و راه های انباشت ثروت جناحی و شخصی، می باشند. عدم وجود «هر گونه ناهماهنگی» در مورد مسایلی که برای تشدید حملات بر سطح زندگی کارگران و شرایط کار آنان بوده به بهترین نحو مشاهده می شود. از این سه مورد، لایحه ی ایجاد «مالیات به ارزش افزوده» حمله ای مستقیم از طرف طبقه سرمایه دار ایران بر سطح زندگی خانواده های کارگران و دیگر اقشار تحت استثمار می باشد.

تاریخچه ی این نوع سیاست ها

در سال ۱۹۴۴ «فریدریش فون هایک»، یک اقتصاددان اتریشی، کتابی به نام «راه بندگی» نوشت که در آن موضع اقتصاد «کلاسیک» را در مورد آزادی ی بازار بازگو کرد. در زمانی که مواضع «جان مینارد کینز»، که مدافع دخالت دولت در امور اقتصادی بود، مورد تأیید اکثر دولت ها بود، «هایک» هر نوع «محدودیت» ی از سوی دولت بر بازار را شدیداً محکوم کرد. این کتاب به نوعی نقش بیانه ی بنیادگذاری ی سیاست های اقتصادی ی «راست رادیکال»، که در اروپا و آمریکای لاتین به عنوان سیاست های «تنو لبرال» معروف شده اند، بازی کرد. «میلتون فریدمن»، استاد اقتصاد در دانشگاه «شیکاگو» در سال های ۷۶-۱۹۴۶، که متأسفانه می توان گفت که پر نفوذترین اقتصاددان نیمه ی دوم قرن بیستم می باشد، کسی بود که این مواضع را در کشور انگلیسی زبان رایج کرد.

ولی گسترش و ریشه یابی ی این عقاید اقتصادی در سطح جهانی بیشتر به نقش «فریدمن» به عنوان مشاور امور اقتصادی در شیلی مدیون می باشد. پس از کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳، که بالاخره ژنرال «آگوستو پینوشه» را به قدرت رساند، و رکود عمومی ی اقتصاد جهانی در سال های ۷۵-۱۹۷۴، این عقاید در شیلی به «آزمایش» گذاشته شدند. در «آزمایشگاه» ی که به دلیل اختناق شدید نظامی ای که بر پروتئاریا و نهادهای آن وارد می شد این عقاید به طور کامل و ناب به عمل گذاشته شدند. ژنرال پینوشه اقتصاددانان شیلی ای که از سوی «فریدمن» در دانشگاه «شیکاگو» تعلیم دیده بودند را مسئول امور اقتصادی تعیین کرد. «اصلاحاتی» که در زمان «پینوشه» در اقتصاد شیلی صورت گرفتند شامل نکات زیر بودند:

الف- کاهش مخارج دولتی، به خصوص مخارج رفاه اجتماعی مانند بهداشت و آموزش و پرورش.

ب- کاهش مالیاتی که بر سرمایه داران اعمال می شد و افزایش مالیات دیگر اقشار جامعه. در شیلی برای اولین بار «مالیات به ارزش افزوده» در سال ۱۹۷۵ اعمال شد.

ج- کاهش حقوق بازنشستگی، منجمله بالا بردن سن بازنشسته شدن.

د- فروش دارایی های دولتی و خصوصی سازی ی واحدهای دولتی.

ه- انتشار اوراق قرضه ارزی از سوی دولت.

پس از «موفقیت» (۱) این سیاست ها در شیلی، در زمان «مارگارت تاچر» در بریتانیا و در زمان «رونالد ریگان» در آمریکا نیز بکار گرفته شدند («فریدمن» خود عضو «هیئت مشورتی ی سیاست اقتصادی» ی «ریگان» بود). سپس این سیاست ها در بسیاری از کشورهای اروپای غربی (شامل آلمان، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، یونان)؛ در اکثر کشورهای آمریکای لاتین (شامل آرژانتین، برزیل، بولیوی، پرو، مکزیک، ونزوئلا) و همچنین کانادا؛ در استرالیا و نیو زیلند؛ و در خاورمیانه در اسرائیل، مصر و ترکیه بکار گذاشته شدند. از آنجایی که این نوع سیاست ها از سوی «بانک جهانی» و «صندوق بین المللی پول» دنبال می شوند، در بسیاری از کشورهای آفریقایی، در سراسر اروپای مرکزی و شرقی پس از فروپاشی ی کل نظام اقتصاد-سیاسی ی کشورهای استالینیستی، در آسیای شرقی پس از بحران مالی، اعمال شدند. بزرگترین تلفات و ویرانی در آفریقا به انجام رسید. در «گانا»، کشوری که هر چه نهادهای بین المللی از آن خواستند را به اجرا گذاشت، و برای مدتی به عنوان «مدل» ی برای دیگر کشورهای آفریقایی بود، بالاخره محدودیت های این سیاست ها امروز به وضوح دیده می شوند. البته در هر کشوری این سیاست ها بر اساس شرایط مشخص آنجا، به خصوص توازن قوای طبقاتی، تغییراتی داشته و شدت و شتاب آن نیز متفاوت بوده، ولی، این روندی بوده که هنوز ادامه دارد و حکومت های متفاوت آن را در سراسر جهان دنبال می کنند. گاهی احزاب «محافظه کار» (مانند بریتانیا و آمریکا)، گاهی احزاب «سوسیال دموکرات» یا «لیبرال» یا «کارگر» (مانند برزیل و بریتانیا در زمان «بلر») یا «سوسیالیست» (مانند فرانسه) این ها را اعمال کرده اند.

ولی آن چه که روشن می باشد این است که بورژوازی در سطح جهانی این سیاست ها را به عنوان تنها امید خود می داند. هر حزب یا عده ای، با هر سنن و تاریخچه ای، اگر می خواهند که سرمایه داران در گرداندن نظام اقتصادی ی خود به آنها اعتماد کنند، می بایست همین سیاست ها را دنبال کنند. در انتخابات ریاست جمهوری برزیل، «لولا دا سیلوا»، کاندید «حزب کارگران»، کسی که در زمان دیکتاتوری ی نظامی رهبر اعتصاب موفق کارگران فولاد بود، امروز فقط می تواند که قول دهد که «اصلاحات» را کندتر و با وسعت کمتر ادامه دهد!

## توجیه اعمال «مالیات به ارزش افزوده»

بی شک بسیاری از افرادی که اخبار اقتصادی چند ماه اخیر ایران را دنبال کرده اند شباهت زیادی بین سیاست های اقتصادی رژیم ایران و بورژوازی ی شیلی و دیگر کشورها خواهند دید. رژیمی که سال ها تحت شعارهای دفاع از منافع «امت» و پرچمدار «مبارزه ضد امپریالیستی» بوده امروز برای اینکه وضع وخیم اقتصادی را به طور سطحی - و برای مدتی کوتاه - بهبود دهد، و مورد پسند کشورهای امپریالیستی و «بانک جهانی»، «صندوق بین المللی پول»، «سازمان تجارت جهانی» و امثالشان شود، همین سیاست های اقتصادی ی بورژوازی «راست رادیکال» (یا «نئولیبرال») را دنبال می کند. این تصادفی نیست که «بانک جهانی» برای نخستین بار پس از ۲۸ سال حاضر به سرمایه گذاری در ایران می باشد. این شامل سرمایه گذاری در پروژه هایی مانند تامین تجهیزات برای کارگاه های کوچک و متوسط بوده و اجاره ی آنها به صاحبان کارگاه ها، ازسوی «موسسه تامین مالی بین المللی» شاخه ی مخصوص بخش خصوصی این بانک، خواهد بود. در کل، ایران ممکن است که در ۲ سال آینده ۷۵۵ میلیون دلار از «بانک جهانی» وام دریافت کند (سایت «بی. بی. سی.»، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲).

وزیر اقتصاد رژیم اعمال «مالیات بر ارزش افزوده» را چنین توجیه می کند:

- ۱- «مالیات بر ارزش افزوده، انتقال مالیات از تولید به مصرف است؛
- ۲- «با اجرای آن، بیشتر می توان عدالت مالیاتی را فراهم کرد؛
- ۳- «جایگزین عوارض و تعرفه هایی که اینک بطور غیر مستقیم گرفته می شود، خواهد شد؛
- ۴- «بخشی از کالاهای مصرفی که ۴۵ درصد کالاهای سبد خانوار - ۱۴ قلم کالا - را در ایران شامل می شود و عمدتاً کالاهای اساسی هستند، از مالیات بر مصرف معاف شده است؛
- ۵- «با نرخ ثابت ۷ درصد عنوان شده است؛
- ۶- «این لایحه متناسب با وضعیت اقتصادی و جامعه ایران و در نظر گرفتن معافیت ها و روش های سهل الوصول مالیات تدوین شده است؛
- ۷- «یکی از نتایج مهم اجرای لایحه تعیین مالیات بر ارزش افزوده را معاف شدن واحدهای تولیدی از پرداخت مالیات مضاعف» خواهد بود. («حیات نو»، ۲۸ شهریور).

حال نگاهی مختصراً به هفت نکته ی اصلی ای که ایشان در مورد این لایحه گفتند بیانداریم.

## ۱- انتقال مالیات از تولید به مصرف

در سطح جهانی مبحث انتقال مالیات از تولید به مصرف تاریخچه ی واضح و روشنی دارد. اولاً، برای عناصر آگاه این واضح است که در جامعه ی سرمایه داری «تولید»، با اینکه فعالیتی اجتماعی و جمعی از سوی پرولتاریا بوده، ولی محصول آن متعلق به بورژوازی می باشد. حتی اگر کسی صاحب کارگاه کوچکی باشد بالاخره در پروسه ی تولید کارگران را

استثمار می کند. پس صحبت از مالیاتی که بر تولید ابلاغ می شود یعنی مالیاتی که سرمایه داران و کارفرمایان می بایست آن را پردازند.

«مصرف»، به دلیل اینکه فعالیتی می باشد که کلیه طبقات جامعه مشغول آن می باشند، در اصل انواع و جوانب بسیار متفاوتی دارد. برای کارگران این مسلم است که مصرف کالاهای لوکس از سوی سرمایه داران، مقامات کشور و «آقازاده»ها به هیچ وجه با خرید نوازی که خانواده های کارگران نیاز دارند، یکسان نیستند. اعمال مالیاتی که بهای کالاهای مورد نیاز توده ها را چندین درصد افزایش دهد در عمل مانند کاهش حقوق آنان در قبال خرید آنها می باشد. در حالی که چند درصد افزایش برای پولداران - به خصوص با در نظر گرفتن کاهش مالیات بر محصول تولید - مطلقاً ناچیز خواهد بود.

دوماً، در اصل این مالیاتی نیست که به ارزش افزوده شود. برای مثال، کارخانه ای که تیله های کوچک پلاستیکی تولید می کند، در نظر بگیریم. این کارخانه مواد خام را به مواد نیمه خام تبدیل می کند، و سپس آنها را به یک کارخانه ی یخچال سازی (و کارخانه های مشابه) می فروشد، که آنها را ذوب کرده و برای تولید قطعات مختلف یخچال استفاده می کند. نه کارخانه ی پلاستیک سازی (که در پروسه ی تولید به مواد خام ارزش افزوده) و نه کارخانه ی یخچال سازی که آن محصول را مصرف کرده، این مالیات را می پردازند. در عمل فقط «مصرف کننده»ای که یخچال را خریداری می کند آن را می پردازد! در کشورهای امپریالیستی و پیشرفته ی سرمایه داری حتی اگر تولید کنندگان در یک مقطع این مالیات را پردازند، قانوناً می توانند آن را پس بگیرند! مالیات بر «قیمت تمام شده هر محصول» («برابر اقتصادی»، ۱۵ مرداد - تاکید از ما) اعمال خواهد شد. با این توضیح این روزنامه نگار بالاخره در کل این مقاله یک بار - و به اشتباه - حقیقت را گفته است.

سوماً، «مالیات به ارزش افزوده» مفهوم جدیدی در جامعه ی ایران می باشد. حتی نام آن هم مشخص نشده است؛ گاهی «مالیات به ارزش افزوده» و گاهی «مالیات بر ارزش افزوده» نامیده می شود. جنبش کارگری می بایست هر چه زودتر آن را به عنوان یک یورش از سوی بورژوازی بر خود بشناسد. این در اصل مالیاتی بوده که در مقطع خریداری ی نهایی از سوی کارگران و کارکنان پرداخت خواهد شد.

## ۲- «بیشتر می توان عدالت مالیاتی را فراهم کرد»

«عدالت مالیاتی» برای چه عده ای؟ بورژوازی چه فاکت یا بحث منطقی ای می تواند در این مورد ارائه دهد؟ در تمامی کشورهایی که این نوع سیاست های اقتصادی بکار گرفته شده فاصله ی بین سطح زندگی ی فقرا و پولداران را ازدیاد بخشیده اند! تعداد خانوارهایی که زیر خط فقر بوده افزایش یافته و مقدار پولی که پولداران برای خرید کالاهای لوکس (و دیگر راه های هدر دادن پول) در دسترس دارند رشد کرده است. همانطور که در بالا توضیح داده شد، این اقدام بی چون و چرا به کاهش قدرت

این مالیات فعلاً "با نرخ ثابت ۷ درصد" عنوان شده است. ولی، یک ماه و نیم پیش قرار بود که "۱۰ درصد قیمت تمام شده هر محصول" باشد («برابر اقتصادی»، ۱۵ مرداد). این واضح است که رژیم به دنبال فرخی بوده که با آن بتواند با آرامش «مالیات به ارزش افزوده» را وارد جامعه کند و سپس آن را بالاتر ببرد. در طول سی سال اخیر در اکثر کشورهای امپریالیستی و پیشرفته این رقم ازدیاد یافته و امروز اکثراً نزدیک به ۱۸ درصد رسیده است.

همچنین بخش مالیات مصرف عمومی، به عنوان در صدی از کل مالیات اعمال شده، نیز رشد کرده است. برای مثال، در سال ۱۹۶۵ ۵/۹ در صد کل مالیات از مالیات مصرف عمومی دریافت می شد و در ۱۹۹۸ این به ۱۸/۱ رسیده بود. این گرایش در اکثر اعضای «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) دیده می شود. حتی در سوئد «سوسیال دموکراتیک» مالیات مصرف عمومی، به عنوان در صدی از کل مالیات اعمال شده، از ۱۰/۴ در صد (در سال ۱۹۶۵) به ۱۳/۶ در سال ۱۹۹۸ رسیده است.

همانطور که این حکومت مانند «پینوشه» (که با ۱۰ درصد شروع کرد) یک مرتبه خواهان اعمال این مالیات شده، در هر مقطع می تواند کسر بودجه و دیگر مشکلات خود را عنوان کرده و سپس با بالا بردن نرخ وزن ورشکستگی و کمبودهای نظام سرمایه داری را روی دوش کارگران بیاندازد. این مسلم است که در این مورد دو جناح رژیم هیچ گونه "ناهماهنگی" با هم نخواهند داشت و کارگران نیز هیچ اعتمادی به این حکومت نمی توانند داشته باشند.

۶- "متناسب با وضعیت اقتصادی و جامعه ایران ... تدوین شده است"  
این لایحه متناسب با وضعیت اقتصادی و جامعه ایران و در نظر گرفتن معافیت ها و روش های سهل الوصول مالیات تدوین شده است! اولاً، بیش از یک ماه است که همین وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی (نوریخس)، در اجلاس هایی که با «سازمان مدیریت و برنامه ریزی» مجلس داشتند نتوانستند که بر مقدار کسر بودجه توافق کنند! یک روز "میزان درآمد دولت در این مدت [چهار ماه اول سال جاری] ... به نسبت به مدت مشابه سال قبل رشدی ۴۰ درصدی را نشان می دهد" («برابر اقتصادی»، ۸ مرداد) و یک روز وضع خراب است - و کسی هم نمی داند که تا چه حد خراب است! قرار است که میزان کسری، که به توافق بعضی از «صاحب نظران» ۲۰ میلیارد می باشد، تا چند هفته ی دیگر روشن شود («رسالت»، ۳ مهر).

دوماً، «وضعیت» اکثریت کسانی که «جامعه ایران» را تشکیل می دهند بسیار وخیم می باشد. میلیون ها به دلیل بیکاری، حقوق معوقه، تورم و انواع و اقسام مشکلات اقتصادی، نیاز به درآمد بیشتری برای امرار معاش خانواده ی خود دارند. آیا این بخش از «جامعه ایران» نیاز به ۷ درصد رشد قیمت ها برای اکثر (۵۵ درصد) کالاهای اساسی دارند؟

خرید کارگران و دیگر اقشار تحت استثمار منجر خواهد شد. و در عین حال، درآمد پولداران را، به خصوص آنان که در انباشت محصول تولید کارگران نقش دارند، افزایش می دهد. «عدالت» بورژوازی واقعاً پدیده ای وارونه می باشد!

۳- جایگزینی «عوارض و تعرفه هایی که اینک بطور غیر مستقیم گرفته می شود»

این در اصل همان «انتقال مالیات از تولید به مصرف» می باشد - ولی با استفاده از واژه هایی که به آن شکلی «تکنیکی» و «علمی» می دهد. این چه لزومی دارد که آقای وزیر حتی زیر کانه تر از انتقال مالیات از تولید به مصرف «این مفهوم را عنوان کند؟ چون که کسانی که «عوارض و تعرفه ها» را «بطور غیر مستقیم» می پردازند تجار و دلالان بوده که هیچ نقشی در تولید - و یا انباشت مستقیم محصول آن - بازی نمی کنند. با جایگزینی «عوارض و تعرفه ها» مالیات این نوع افراد کاهش پیدا می کند و به دوش کارگران می افتد!

۴- ۱۴ قلم ... کالاهای اساسی ... از مالیات بر مصرف معاف شده اند قرار است که «بخشی از کالاهای مصرفی که ۴۵ درصد کالاهای سبد خانوار - ۱۴ قلم کالا - را در ایران شامل می شود و عمدتاً کالاهای اساسی هستند، از مالیات بر مصرف معاف» شوند. در اینجا سئوالی که برای کارگران مبارز طرح می شود این است: پس دیگر ۵۵ درصد کالاهای سبد خانوار چه می شود؟ این معادل ۱۷ قلم کالای دیگر می باشد! چرا، اگر این صرفاً اقدامی بر علیه وجود و هستی ی کارگران نیست، شامل کل کالاهای سبد خانوار نیست؟ چه کسانی «معاف» بودن یا نبودن این کالاهای را تعیین کردند؟ چند نفر از نمایندگان راستین کارگران در تعیین کالاهای «معاف» دست داشتند؟

بنابر مقاله ای در «برابر اقتصادی» (۱۵ مرداد)، که زمانی که «کمسیون اقتصادی هیئت دولت» لایحه «مالیات به ارزش افزوده» تصویب کرده و در دستور کار «هیئت وزیران» قرار داد، نوشته شد «کالاهای اساسی (نظیر شیر خشک، گندم، برنج، شکر، لبنیات و ...)، اقلام عمده خوراکی که سهم عمده ای را در سبد غذایی کشور تشکیل می دهند از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف خواهند بود». یعنی کارگران - در اصل کارگرانی که شاغلند و حقوقشان هم سر موعد پرداخت می شود - می توانند بخورند و نمیرند! پس دیگر کالاهای اساسی، پوشاک، لوازم بهداشتی، لوازم خانگی، نفت و سوخت های دیگر، بلیط اتوبوس و انواع و اقسام اجناس و خدماتی که کارگران و کارکنان و خانواده هایشان به آنها نیاز دارند چه می شود؟ مسلم است که آنان قادر به خرید آنها نخواهند شد (و یا مقدار کمتری را می بایست تهیه کنند).

۵- «نرخ ثابت ۷ درصد» عنوان شده است

## اهداف کاخ سفید و آرزو و آمال

### کاندیداهایش در ایران

بقیه از صفحه ۱

این بر هیچکس پوشیده نیست که هدف برداشتن صدام رابطی به «تروریسم» و «امکان جنگی خطرناک با سلاحهای موجود در دست صدام» ندارد. این امکان بطور پیشرونده از زمان آغاز انقلاب در ایران در اختیار صدام قرار داشته است. دلیل اصلی برداشتن صدام از قدرت، نیاز سرمایه داری جهانی به سرسپرده ای تازه نفس و «مدرن» است که بتواند از پس اجرای فرمانهای «امروزی» سرمایه داری جهانی در آن منطقه بر آید. کسی که احتمالاً به مراتب جواتر، امروزی تر و آشناتر به فرهنگ و سیاست «مدرنیسم» مورد نیاز باشد.

در نتیجه، مصاحبه با رضا پهلوی در این مقطع، اتفاقی نیست. رضا پهلوی و افرادی مانند او در جریان اصلاح طلب، بطور اتفاقی نیست که تئوری های سیاستهای سازشکارانه و «مدرن» خود را این روزها پیاده کرده و تحت لوای دموکراسی، حتی از مبارزات کارگری هم دفاع میکنند!

این سیاستمداران «مدرن» در واقع در حال پس دادن امتحان خود به سردمدار اصلی بوده و هر یک میبایستی بتواند گوی «مدرنیسم» را در دکترین خود از دیگری پروبایند!

آنچه که مردم جهان و بخصوص مردم منطقه ما با آن روبرو هستند نوع و نام رژیم آینده نمیتواند باشد، بلکه حاصل امر، یعنی اهداف سیاسی آنها مورد نظر است. آنچه که در عراق اتفاق بیافتد، نمیتواند بهتر از آنچه که در افغانستان پیش آمده باشد. بقول رئیس سازمان «سیا» آمریکا، در عراق باید همان شود که در افغانستان شد. او روز سه شنبه ۸ اکتبر، خطاب به مطبوعات آمریکا در دفاع از فلسفه حمله به عراق گفت: «ما جلوی افغانستان را به موقع نگرفتیم و با حادثه ۱۱ سپتامبر روبرو شدیم. ما نباید بار دیگر مرتکب این خطا گردیم.» (۱)

آنچه مسلم است، اینست که تاریخ پنجاه و چند سال اخیر ایران را مردم زحمتکش و رنج دیده ملت ما فراموش نکرده و سینه به سینه و نسل در نسل آموخته اند. این اولین بار نیست که آمریکا برای آن منطقه نقشه کشیده است. مردم ایران، کودتای ۲۸ مرداد، اعدام مخالفان سیاسی در دوره های مختلف از زمان سلطنت محمدرضا شاه، مکیدن خون و شیره مردم از طرف خاندان سلطنت و سپس دستگاه جاسوسی و شکنجه ساواک بر علیه اعتراض مردم را فراموش نکرده اند. آیا آمریکا مسئول آوردن محمدرضا پهلوی بر مسند قدرت نبود؟ آیا آمریکا از میزان ستم طبقاتی موجود در روستاها و مناطق عشیره نشین ایران آگاه نبود؟ آیا «اصلاحات ارضی» که باعث فقر منقطع کشاورزان تنگدست ایران گردید و آنان را روانه بازار کار شهرهای بزرگ کرد، با تأیید دولت

سوما، تدوین این مالیات با "در نظر گرفتن معافیت ها و روش های سهل الوصول مالیات" حرف بسیار جالبی می باشد. در شرایطی که میلیون ها بیکار، ده ها هزار کارگر و کارکنانی که حقوقشان ماه ها پرداخت نشده، بیمانکاری روز به روز بیشتر رایج می شود، و حتی دولت هم استخدام رسمی را ممنوع می کند (۱) «انتخاب»، ۳۱ مرداد). در این شرایط رژیم قادر به کسب مالیات مستقیم از دستمزد بخش عظیمی از پرولتاریا نخواهد بود. رژیم با یک تیر دو نشان می زند، هم از این عده در مقطع «مصرف» مالیات گرفته و هم در مقایسه با بورژوازی و پولداران درصد بیشتری از «دارایی» آنان را کسب خواهد کرد!

#### ۷- «معاف شدن واحدهای تولیدی از پرداخت مالیات مضاعف»

قرار است که "یکی از نتایج مهم اجرای لایحه تعیین مالیات بر ارزش افزوده ... معاف شدن واحدهای تولیدی از پرداخت مالیات مضاعف" باشد. «برابر اقتصادی» در این مورد توضیح بیشتر می دهد: "تعیین سقف معامله برای معافیت ... که هر واحد صنفی در سال گردش مالی کمتر از سهم تعیین داشته باشد از پرداخت این مالیات معاف خواهد بود" (۱۵ مرداد ۱۳۸۱). یعنی سقف گردش مالی در سطحی تعیین می شود که صاحبان کارگاه ها و واحدهای کوچک اقتصادی از پرداخت آن معاف باشند! یعنی این افراد نه در مقطع فروش تولیدشان مالیات می پردازند و نه زمانی که مواد خام و نیمه خام را برای تولید خریداری می کنند! بی شک این اقدامی برای راضی نگه داشتن این بخش از بورژوازی و طرفدارانش در رژیم می باشد!

«برابر اقتصادی» همچنین می افزاید که این مالیات از "دست به دست شدن کالاها و دلال بازی جلوگیری خواهد کرد چرا که در این سیستم معاملات کالا و خدمات شفاف خواهد شد." (۱۵ مرداد). ولی هیچ دلیلی در این مورد آورده می شود.

با تصویب این قانون قرار است که از ابتدای سال ۱۳۸۲ به اجرا گذاشته شود. مبارزه با آن، اگر قرار است که موفق شود، از اکنون می بایست آغاز شود.

۷ مهر ۱۳۸۱ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۲

در نیویورک، ۲۰ هزار نفر به خیابانها ریخته و به اعتراض راهپیمایی کردند. این جمعیت سپس در «سائترال پارک» شهر نیویورک گرد آمده و به محکوم کردن سیاست دولت پرداختند. تظاهرات همانندی در شهرهای بزرگ دیگر آمریکا مثل سانفرانسیسکو و شیکاگو برگزار گردیده است.

با وجود اینکه هیچیک از این موارد در اخبار رسانه های خبری آمریکا ذکر نشد، ولی خود نشانگر ابعاد گسترده مخالفت توده مردم آن کشور با سیاستهای دولتش میباشد.

xxx

این سوای تمام مخالفتهایی است که در سراسر جهان تا کنون علیه سیاستهای دولت آمریکا انجام شده است.

۱۰ اکتبر ۲۰۰۲

## آسیب پذیری قانون و حقوق دموکراتیک در عمل در نظام سرمایه داری

اعتصابات و کم کاری های کارگران بنادر غرب آمریکا مدتی است، با شدت و ضعف ادامه دارد. در دوره روی کار بودن جورج بوش، رئیس جمهور کنونی آمریکای بزرگترین مبارزه کارگری انجام شده تا کنون بوده است.

در آخرین دور از بازگشت این کارگران به سر کار که بر اثر فشار نامطلوب آن بر اقتصاد این رشته از صنایع آن کشور و بر اثر تهدید دولت به استفاده از نیروی های ارتش و گارد ملی صورت گرفت، کارگران بندر با کم کاری سعی در مبارزه با مدیریت کرده اند. علت این مبارزه این بوده است که مدیریت در برابر اعتراض کارگران و قبول نکردن شرایط تعیین شده از طرف مدیریت در نشست با رهبری اتحادیه کارگران بنادر، مدیریت مربوطه محل کار را به مدت ۱۰ روز به روی کارگران بست و از آمدن آنها به سر کار جلوگیری نمود.

جورج بوش در برابر این کم کاری روز سه شنبه ۸ اکتبر اعلام کرد که با حکم از طرف دادگاه به اعتصاب پایان داده و با مخالفان برخورد «قانونی» خواهد شد.

آنچه که جورج بوش و جریان راست درون حکومت آن کشور نمیخواهند بپذیرند، اینست که بر اساس قانون، شکست اعتصابات کارگری به زور، یک حرکت غیر قانونی در نفس عمل است.

اینگونه برخوردها از طرف دولتهای حاکم در آمریکا یا هر کشوری در اروپای غربی، اثبات وجود خصلت دیکتاتوری در ذات نظام سرمایه داری و نشان گرایی به ارتجاع درون این حکومت ها میباشد. حتی اگر این نوع تصمیمات به خاطر صلاح ملی و عمومی کشور عنوان گردد (همانطور که بوش کرد).

وقت آمریکا صورت نگرفت؟ مردم ایران چگونه میتوانند این واقعه را فراموش کرده و اکنون به دام رضا پهلوی بیافتند.

آیا مردم ایران چوب زبان و قولهای خمینی را که در حقیقت نماینده سرمایه داران سنتی ایران بود، نغوردند؟ بازاریانی که اکثراً جای مهر سجاده بر پیشانیهای باقی مانده بودند؟

آیا ملت ایران با تمام توان خود، پرده های ناامیدی را از چهره خود برکنند و آخرین شانس را به نماینده جناح اصلاح طلب موجود در صحنه قدرت نداد و خاتمی را به ریاست جمهوری نرساند؟

ملت ایران همه گونه فرصت را بردبارانه به تمام جناحهای نظام سرمایه داری ایران داده و در عمل نتیجه آنرا هم تجربه کرده است. دیگر خط مشی تازه ای برای ارائه بوسیله هیچ جریان یا گروهی حتی اگر از حمایت کنونی آمریکا برخوردار باشد، وجود ندارد.

اکنون مردم صدمه دیده و ستم کشیده ایران، ممکن است گرسنه و درمانده باشند، اما از پای در نیامده و دیگر توان اینکه عقل خود را بدست عده ای لاشخور تازه نفس بدهند، ندارند. ملت زحمتکش ایران با گرفتن دست خود به زانوی خودش، خود را از این منجلاب بیرون خواهد کشید.

در این راه مردم ایران تنها نیستند، بلکه مردم آواره و به خاک و خون کشیده شده افغانستان، مردم دردمند عراق و سایر کشورهای منطقه را در کنار خود دارند.

آنچه که این مردم لازم دارند، سلاح مبارزه طبقاتی است. یعنی سازماندهی یک حزب پیشتاز انقلابی به رهبری پیشروی کارگری. در این راستا، مردم زحمتکش منطقه از حمایت تمام جریانات آزادیخواه و مدافع حقوق بشر جهان برخوردار خواهند شد. این دوران مبارزات توده مردم کشورهای اروپایی و آمریکا حتی بزرگتر از جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰ خواهد گشت.

این روزها با وجود اینکه کلیه رسانه های خبری آمریکا سعی در پنهان کردن این واقعیت دارند، اما باز هم نتوانسته اند تمام مبارزات توده ای انجام شده علیه سیاست امروز جورج بوش را پنهان کنند! لذا در تمام روزهایی که بحث بر سر حمله به عراق در مجلس آمریکا مطرح بوده است، همواره تظاهرات در بیرون و حضور مخالفان این سیاست در درون مجلس وجود داشته و پلاکارد بدست، سخنرانان دولت را محکوم کرده و به سکوت کشیده اند.

نمونه بزرگ و قابل ملاحظه این مخالفت، درست پس از آخرین خطابه بوش، در شهر لوس آنجلس و سپس در شهر نیویورک اتفاق افتاد.

دهه ها هزار تن از مردم لوس آنجلس، پس از شنیدن سخنان بوش به خیابانها ریخته و با درست گرفتن پلاکاردها که حمله به عراق را محکوم میکرد، به تظاهرات پرداختند. بیش از ۱۰ هزار نفر در جلو ساختمان فدرال آن شهر که نزدیک محل دانشگاه «یو سی ال ای» که یکی از بزرگترین و معتبرترین دانشگاههای آمریکا میباشد، جمع شدند.

در این اطلاعیه همچنین آمده است که کار حمل و نقل کالا در بنادر، کاری خطرناک است که نیاز به آموزش دیدن و تجربه دارد و در شرایط کنونی، تنها به کارگرانی میتوان تکیه کرد که با تجربه میباشد. در حال حاضر تعداد اینگونه کارگران کافی نیست تا کار بطور موثر پیش رود.

تحت این شرایط، مدیریت مربوطه با حذف برنامه های آموزشی، سرعت در حال استخدام کارگران غیر حرفه ای و موقت است.

لذا در این اطلاعیه از مردم آگاه و دلسوز خواسته شده است تا اعتراض خود را از طریق شماره تلفن:

۰۰۵۷۶۳۲۰ (۴۱۵) به مسئولان امر ابلاغ نمایند.

۱۳ اکتبر ۲۰۰۲

سارا قاضی

## اخبار کارگری

### در ماهی که گذشت

مکزیک - توافقنامه کارگران کارخانجات اتومبیل سازی فولکس واگن با مسئولان، لحظاتی پیش از اعتصاب

روز سوم سپتامبر نمایندگان کارگران در اتحادیه کارگری با مسئولان کارخانه فولکس واگن توافقنامه ای را امضاء کردند که از سومین اعتصاب این کارگران در طی سه سال گذشته جلوگیری کرد.

از ۱۰/۲ درصد تقاضای افزایش حقوق، نمایندگان کارگران موفق شدند، در وهله اول ۱/۵ درصد و سپس ۵/۵ درصد افزایش دستمزدها را برای کارگران از کارفرمایان بگیرند. البته این میزان افزایش دستمزد، در برابر تورم امسال، وضع کارگران را فقط به حد اعتدال میرساند.

در ماه مارس گذشته، این شرکت کارگران را با به قبول کاهش دستمزدها و یا به اخراج ۱۳۰۰ نفر تهدید کرد. از آن موقع تا کنون بیش از ۵۰۰۰ نفر یا ۲۰ درصد از کارگران بیکار شده اند.

پاراگوئه - اتحادیه های کارگری در برابر فشارهای صندوق بین المللی پول ایستادگی میکنند

روز ۲۳ سپتامبر، اتحادیه های کارگری در پاراگوئه به همراه سازمانهای خدمات شهری، روستایی و تجاری در برابر قوانین تحمیلی صندوق بین المللی پول ایستادگی کرده و اعتصاب کردند. صندوق بین المللی پول برای هرگونه کمکسانی به پاراگوئه خواهان ایجاد قوانینی برای قدرت مطلق خود شده است.

در برابر این اعتراضات و بمنظور خواباندن آن، دولت پاراگوئه قیمت بنزین را به مبلغی برابر کمی بیش از یک دلار آمریکا تقلیل داد.

در یک نظام دموکراتیک، تحت هیچ شرایطی، حتی اگر اعتصاب کنندگان در اقلیت باشند، نمیتوان از حکم دادگاه و حمله نظامی بر علیه اشان استفاده نمود. زیرا که طبق قانون، حق اعتصاب، اعتراض، بیان و ... کلیه حقوق دموکراتیک به شهروندان داده شده است.

بقول سوزان گلدن برگ، گزارشگر «گاردین» در واشنگتن: «در ۲۵ سال اخیر در تاریخ آمریکا، این اولین باری است که رئیس جمهوری با استفاده از حکم دادگاه سعی در حل مسائل کارگری نموده است.»  
گلدن برگ همچنین میگوید که منشی امور مالی اتحادیه کارگری سراسری آمریکا گفته است: «هیچ رئیس جمهوری تاکنون به این روشنی طرفداری خود را از کارفرمایان ابراز نکرده است.»

جورج بوش برای در اقلیت قرار دادن و منزوی کردن مبارزات کارگران بنادر غرب آمریکا، با لحن نرم و دلسوزانه ای گفت که این اعتصابات باعث لطمه زدن به کشاورزان و کارگران سایر صنایع کشور شده است که به این واردات نیاز دارند.

لازم بود که اتحادیه سراسری آمریکا، در پی این حرف، اعلام اعتصاب عمومی در حمایت از کارگران بنادر میداد. اما متأسفانه گرفتن اینگونه مواضع سراسری و حمایت سایر اتحادیه های کارگری از اتحادیه کارگران آن بنادر، در مغیله سیاسی رهبران اتحادیه سراسری آمریکا نمیگنجد. اینجا است که کارایی نداشتن اتحادیه های کارگری برای دفاع واقعی از حقوق و مبارزات طبقاتی کارگران در عمل تجربه میشود. به عبارت دیگر، گرفتن حق و حقوق توده مردم زحمتکش از سرمایه داران و کارفرمایان بدون تنیدن این مبارزات با مبارزات اصولی و برنامه ریزی شده طبقاتی، نتیجه ای مطلوب و کارا که دردی از دردهای توده مردم بکاهد، نخواهد داشت.

دلیل آنهم بسیار واضح است، سیاستمداران و طراحان نظام سرمایه داری، به اشتباه یا ندانم کاری نیست که توده عادی مردم را به فلاکت میکشند! بلکه برعکس، اینها با آگاهی کامل و برنامه مشخص به بهره کشی از مردم تن میدهند. لذا تنها راه مبارزه پیروزمندانه، مبارزه ای در سطح خودش، یعنی مشخص، برنامه ریزی شده و طبقاتی میباشد.

xxx

در جواب جورج بوش که کالاهای در بنادر و کشتی ها مانده و باید به این وضع سریعاً رسیدگی نمود، اتحادیه کارگران بنادر غرب آن کشور، در روز ۱۱ اکتبر اطلاعیه ای صادر کرده و از مردم کمک خواسته است.

در این اطلاعیه بطور خلاصه آمده است که به علت حجم کالاهای انباشته شده، حجم کار روزانه از توان کارگران به کار برگشته شده، کاملاً خارج است و اگر مسئولان امر واقعاً خواهان گردش کار هر چه سریعتر هستند، میباید به حد نیاز کارگران حرفه ای استخدام کنند و بار این همه کار را بر دوش آن بخش از کارگرانی که اجازه بازگشت به کار را یافته اند، نیندازند.

از آنجاییکه نیجریه ششمین کشور تولید کننده نفت در «اوپک» است، اعتصاب اخیر آن باعث شد که قیمت نفت در سطح بین المللی هم به بیش از بشکه ای ۱۸ دلار برسد.

به گزارش رویتر، اعتصاب کارگری در نیجریه و مکزیک و برنامه حمله آمریکا به عراق، باعث بالا رفتن ناگهانی قیمت نفت شده است.

بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران به طرف مجلس شورای ملی حرکت و در ابتدا به وسیله گارد نگهبان متوقف شدند. ولی سپس فشار تظاهرکنندگان، گارد را کنار زده و وارد محل شدند.

رهبر اتحادیه کارگری که این حرکت را هدایت میکرد، در آن محل گفت که اگر مقامات نسبت به این امر بی تفاوت بمانند، با افزایش قیمت نفت و مقاومت کارگران روبرو خواهند شد. اوسپس افزود: «... فروختن منبع درآمد ملی اصلی، باعث خروج سرمایه های کشور شده و در نتیجه بحران اقتصادی کنونی را تشدید خواهد کرد.»

در طول این تظاهرات، سایر بخشهای وابسته به پالایشگاه و محلهای فروش بنزین تعطیل شدند. تنها جاهایی که خصوصی بود، به کار خود ادامه داد.

آفریقای جنوبی - در پشتیبانی از کارگران نساجی

۲۵۰۰ تن از کارگران پنج کارخانه دوزندگی لباس «وسترن کیپ» روز ۲۳ سپتامبر به پشتیبانی از کارگران نساجی «تیم پوما» که اکنون ۱۰ هفته است در اعتصاب بسر میبرند، دست از کار کشیدند. کارگران نساجی «تیم پوما» به منظور دریافت دستمزد بالاتر اعتصاب نموده اند. تأثیر این اعتصابات، بر روی چندین کارخانه تولید کننده پوشاک و نساجی بوده است، از جمله کارخانه تولید جوراب مارک «آدیداس» و «پوشاک کیپ».

کارگران «پوشاک کیپ» که اکثراً زن میباشند، پس از دست کشیدن از کار خود، راهی کارخانه «تیم پوما» شده و در جلوی درب ورودی کارخانه به رقص و پایکوبی پرداختند.

زیمبابوه - دولت، کارکنان هواپیمایی را به از دست دادن شغلشان تهدید کرده است.

دولت زیمبابوه، مهندسان خط هوایی آن کشور را که در اعتصاب برای افزایش حقوق، بسر میبرند، به اخراج تهدید کرد.

روز ۲۴ سپتامبر، وزیر حمل و نقل و ارتباطات آن کشور گفت که، «ما میباید ظرف ۲۴ ساعت مشخص کنیم که چه کسانی میخواهند در هواپیمایی کار کنند. آنانکه در اعتصاب باقی بمانند، نتیجه نامطلوب آنرا خواهند دید.»

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲

سارا قاضی

ایالات متحده آمریکا - نتیجه مبارزات کارگران بنادر ساحل غربی آمریکا در این ماه

در آخر هفته گذشته، «موسسه پاسیفیک ماراتایم» مدافع حقوق کارفرمایان شرکتهای کشتیرانی آن منطقه، بالاخره مجبور شد تا تهدید خود را در مورد راه ندادن ۵۰۰۰ کارگر بندر به محل کارشان پس بگیرد. در نتیجه، بنادر فعالیت عادی خود را با ظرفیت کامل از سر گرفتند. همزمان، اتحادیه کارگران این بنادر بر علیه موسسه نامبرده به دادگاه شکایت کرده و راه ندادن کارگران به محل کار را غیر قانونی بر شمرد. این اتحادیه نمایندگی ۱۰۵۰۰ کارگر بندر را به عهده دارد. اگر چه در این فصل سال، فروشگاهها معمولاً در حال انبار کالاهای فروشی خود برای ایام تعطیلات کریسمس هستند، اما آمار نشان میدهد که درصد بالایی از کالاها در حال صادر شدن از بنادر هستند، نه وارد شدن. اتحادیه کارگران بنادر میگوید که علت اینستکه واردکنندگان کالا ترس تعطیل شدن بنادر را دارند. آنها میترسند که «موسسه پاسیفیک ماراتایم» باز هم در آینده جلوی ورود کارگران بندر را به محل کار بگیرد. موسسه دیگری بنام «موسسه واترفرانت ساحل غربی» که خدمات وارداتی شرکتهایی مانند وال - مارت» را انجام میدهد نیز ابراز ترس کرده و از دولت بوش خواسته است تا در صورت اعتصاب از قانون «شکست اعتصاب» استفاده نماید. دولت بوش هم تحت عنوان «امنیت ملی» اعلام کرده است که بدنبال هرگونه اعتصاب از گارد ملی و ارتش برای سرکوب استفاده خواهد کرد.

«موسسه پاسیفیک ماراتایم» از شرکتهای بزرگی مثل «استیو دورینگ» شکل گرفته است. این شرکت در سرکوب حقوق و از بین بردن شرایط کاری کارگران بنادر آفریقای جنوبی، زولاند نو و نظیر آنها نقش موثر داشته است. این شرکت کنترل کامل را بر روی موسسه نامبرده داشته و اعضای آن را «دست چین» میکند.

روز ۱۸ سپتامبر در شهرهای ساحل غربی آمریکا مثل «سیاتل» «اوکلند» و «لانگ بیچ» تظاهراتی بر علیه سیاستهای این موسسه برگزار گردید. در «اوکلند» شرکت نامبره برای جلوگیری از این تظاهرات، وقت ناهار کارگران را از ساعت ۱۲ ظهر به ۱۱ پیش از ظهر تغییر داد. ولی کارگران بدون رعایت آن، ساعت ۱۲ ظهر در تظاهرات شرکت کردند.

نیجریه - اعتصاب کارگران پالایشگاه قیمت نفت را تا بشکه ای ۳۱ دلار افزایش داد

اعتصاب کارگران به علت برنامه های خصوصی سازی دولت در مورد پالایشگاه نفت آن کشور بوده است.

این اعتصاب در صبح زود روز ۲۳ سپتامبر و در جلوی موسسه ملی پترولیوم نیجریه آغاز گردید، بالاخره بر روی قیمت نفت اثر گذاشته و آنرا از بشکه ای ۲۸/۷۰ دلار به ۳۱ دلار رساند.